

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

گفتیم در اقسام وضع سه بحث کلی وجود دارد: الف- تصویر و معنای این اقسام. ب- امکان این اقسام. ج- وقوع این اقسام.

در بحث امکان عمده محل نزاع مربوط به وضع عام موضوع له خاص و وضع خاص موضوع له عام بود. اشکال موجود در وضع عام موضوع له خاص تبیین شد و با جوابی که ما بیان نمودیم، مجموعاً پنج جواب از این اشکال ذکر شد.

ثمره تحقیق در بحث

به نظر ما در این قسم تنها وجود ارتباط بین معنای متصور و موضوع له کافی است؛ در نتیجه این امکان وجود دارد که متکلم و واضع معنای عامی را تصور نموده و موضوع له را «ما یرتبط بهذا المعنى العام» قرار بدهد؛ اعم از این که از افراد و یا حتی از اضداد این عام باشد.

از دیگر ثمرات مبنای ما این است که واضع در یک وضع می تواند معنای کلی را تصور و موضوع له را هم کلی و هم جزئی قرار بدهد؛ برای این که ملاک در موضوع له ارتباط داشتن به معنای متصور است؛ خواه به نحو کلی و یا به نحو جزئی باشد.

البته این قسم، قسمی خارج از این اقسام اربعه که حصر آن ها عقلی است نمی باشد؛ بلکه معنای متصور عام است که وضع عام می شود، اما موضوع له گاهی عام و گاهی خاص است که به اعتبار عام، موضوع له عام و به اعتبار خاص، موضوع له خاص خواهد شد و هر دو در یک وضع محقق می شوند.

اما طبق بیان مشهور در یک وضع، وضع عام موضوع له خاص و در وضع دیگر و عملیات دوم، وضع عام موضوع له عام خواهد شد؛ در نتیجه در یک وضع، واضع نمی تواند هم موضوع له عام و هم موضوع له خاص را برای مفهوم عام قرار بدهد.

به بیان دیگر به نظر ما در نزاع بین حکایت و انتقال، مبنای انتقال صحیح است. در انتقال هم می گوئیم، انتقال «بما یرتبط بالمعنى المتصور» کافی است. در مرحله بعد می گوئیم این امکان وجود دارد که یک مصداق «ما یرتبط» کلی و مصداق دیگر افراد باشد و شاید در الفاظ نیز برای این گونه وضع مثال وجود داشته باشد.

البته طبق مختار صاحب منتقى الاصول (رحمه الله) و ما، تصور معنا نه اجمالاً و نه تفصیلاً لازم نیست؛ اما این نکته ضروری است که باید بین موضوع له و معنای متصور ارتباط -رتبه ای نازل از انتقال- وجود داشته باشد؛ مثلاً اگر واضع انسان را

تصور نموده و آن را برای درخت قرار بدهد، صحیح نیست.

هر چند الفاظ موجود در زبان عربی مانند «عین» که بیش از 70 معنا برای آن وجود دارد در واضع واحد نبوده است بلکه قبیله‌ها و مردم مختلف و در بلاد مختلف این لفظ را در معانی مختلف استفاده نموده‌اند، اما به نظر ما در عملیات وضع و در یک مرتبه، یک معنای کلی در نظر گرفته می‌شود و لفظ را برای آنچه با این معنای کلی ارتباط دارد وضع می‌نماید که این مسئله حتی در اضداد مثل سرما و گرما که مرتبط به این معنا هستند امکان دارد.

امکان اقسام وضع، طبق مبانی موجود در حقیقت وضع

بحث بعد این است که باید دید اقسام وضع طبق مبانی مختلفی که در حقیقت وضع وجود دارد امکان دارد یا خیر؟!

نظریه مشهور و مختار ما: اقسام وضع طبق نظریه مشهور و مختار ما که وضع تعیین اللفظ للمعنی باشد، روشن است؛ به این بیان که واضع یا معنای عام را در نظر می‌گیرد و لفظ را برای همان قرار می‌دهد که وضع عام موضوع له عام می‌شود. یا معنای عام را در نظر می‌گیرد و لفظ را برای افراد قرار می‌دهد که وضع عام موضوع له خاص می‌شود و...

ذاتی بودن علقه بین لفظ و معنا: ظاهراً طبق این مبنا مجالی برای این تقسیم نیست، برای این که لازم نیست واضع معنایی را به عنوان عام تصور نموده و لفظ را برای آن قرار بدهد تا وضع عام موضوع له عام محقق شود.

طبق این مبنا، معنای موضوع له را باید ملاحظه نمائیم که یا عام و یا خاص است و چیزی به نام وضع عام نداریم و فقط می‌گوئیم این لفظ یا معنای عام و یا معنای خاص دارد.

مبنای محقق عراقی (رحمه‌الله): ایشان گفت اعتبار واسطه در ثبوت برای تلازم واقعی بین لفظ و معنا است. طبق این مبنا نیز اقسام چهارگانه صحیح است، به این جهت که وقتی اعتبار به میان بیاید، اعتبار کننده معنای عام را در نظر می‌گیرد. اگر تلازم واقعی بین لفظ و معنای عام موجود شد وضع عام و موضوع له عام می‌شود. اگر تلازم واقعی بین لفظ و معنای خاص موجود شد، وضع عام و موضوع له خاص خواهد شد و...

مسلك تنزیل: تنزیلی‌ها می‌گویند واضع لفظ را نازل منزله معنا قرار می‌دهد به این بیان که ابتدا معنایی را تصور نموده و سپس لفظ را نازل منزله آن معنا قرار می‌دهد.

طبق این مبنا نیز اقسام چهارگانه ممکن است به این بیان که به واضع می‌گوئیم قبل از این که این لفظ را نازل منزله معنای عام یا خاص قرار بدهی، کدام یک از معنای عام و یا خاص را در نظر گرفته بودی؟!

مسلك، تعهد، اعتبار و علامیت: طبق قول به تعهد، اعتبار – مختار مرحوم محقق اصفهانی و مرحوم والد ما رضوان الله تعالی علیهما – و علامیت نیز این اقسام ممکن است.

مبنای شهید صدر (رحمه‌الله) (قرن الاکید): طبق مبنای «قرن الاکید» باید دید وضع عام موضوع له خاص چگونه محقق می‌شود؟! به بیان دیگر طبق این مبنا در مورد وضع عام موضوع له عام یا وضع عام موضوع له خاص می‌گوئیم واضع بین لفظ و معنای عام یا خاص اقتراان ایجاد نموده است؛ اما در مورد این که بگوئیم کلی اشاره را در نظر گرفته باشد و لفظ «هذا» را برای افراد اشاره قرار بدهد، باید دید این اقتراان چگونه حاصل می‌شود؟!

مرحوم شهید صدر (رحمه الله) در باب وضع تعیینی فرمود: یک عامل کیفی در میان است و سبب ایجاد قرن الاکید می شود؛ اما در این قسم مشکلی که مشهور با آن مواجه بود این است که چگونه امکان دارد افرادی که تصور نشده اند موضوع قرار گیرند چه رسد به این که بگوئیم بین لفظ و این افراد قرن الاکید ایجاد شده است و به نظر ما این مطلب مشکل است.

همین بحث یکی از مبعّدات نظریه مرحوم شهید صدر (رحمه الله) در باب حقیقت وضع است برای این که در وضع عام موضوع له خاص قرن الاکید بین لفظ و افراد معنا ندارد.

به بیان دیگر هر چند ایشان می گوید معنا را در نظر می گیریم و بین لفظ و معنا دفعهً واحدة به سبب عامل کیفی اقتراّن ایجاد می شود اما لازمه این کار این است که حداقل یک بار آن را تصور نمائید. نهایت این که می گوئید اجمالاً تصور شده است ولی مشکل وجود تصور همچنان باقی است.

هر چند ایشان در صدد هستند به نحوی این مسئله را توجیه نمایند اما به نظر ما نتوانستند و به هیچ وجه طبق مبنای ایشان این اقسام امکان ندارند.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ